

## The Perspective of Sunni Islamists Governance in the Arab World

Hamidreza Akbari \*

Associate Professor of International Relations, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS), akbari.ir2012@yahoo.com

### Abstract

**Objective:** The main purpose of this article is to examine the perspective of Sunni Islamist governance on the future of the Arab world in the horizon of a decade to help the Islamic Republic of Iran adopt a suitable policy in dealing with them.

**Method:** Method: The method used in this article, is the future research method of layered analysis of causes (CLA) by extracting, uncertainties, drivers and knowing the direction and the discursive space of Sunni Islamism and analyzing it on four levels: litany, social, discursive and mythological.

**Findings:** A suitable opportunity was created in the last century - following the collapse of the Ottoman Empire and the creation of theoretical and practical developments (conceptual and field) in the Islamic world - to play the role of different readings of Sunni Islamic movements; including al-Ikhwān al-Muslimūn, Hamas, Islamic Jihad and even al-Qaeda, the Taliban, Boko Haram and ISIS, etc. at the national and transnational levels. Most of these movements were unsuccessful in realizing their main goal, which was the establishment of an Islamic state. But this did not remove them from the scene of regional and international activism. They have witnessed their return to power in cases like the Taliban. The al-Ikhwān al-Muslimūn is always in a dynamic between social action and political action. And the anti-occupation movements have also strengthened the Islamic resistance front. The main finding of this research is to reach four stages (confrontation, interaction, concession and development) and their investigation.

**Conclusion:** During the next decade, at the global level, there will continue the confrontation of Islamic extremists such as ISIS and Boko Haram, and the confrontation between the current governments of the Arab world and the main and influential Sunni Islamic currents.

**Keywords:** Islamism, Arab World, Sunnis, Future Study, Middle East

**Article type:** Research

\* Received on 24 January, 2023 Accepted on 30 November, 2023

**Cite this article:** Akbari (2023) The Perspective of Sunni Islamists Governance in the Arab World, Political Studies of Islamic World, Fall 2023, Vol.12, NO.3, 85-107.

**DOI:** 10.30479/psiw.2024.18343.3200

© The Author(s).



**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Hamidreza Akbari

**E-mail:** akbari.ir2012@yahoo.com

## دورنمای حکمرانی اسلام‌گرایان اهل سنت در جهان عرب

حمیدرضا اکبری

استادیار روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، akbari.ir2012@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** بررسی دورنمای حکمرانی اسلام‌گرایان اهل سنت در آینده جهان عرب در افق یک دهه‌ای برای کمک به اتخاذ سیاست مناسب از سوی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آنان هدف اصلی این مقاله می‌باشد.

**روش:** روش آینده پژوهی تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) با استخراج پیش‌ران‌ها، عدم قطعیت‌ها، محرک‌ها و شناخت سمت و سو و فضای گفتمانی اسلام‌گرایی اهل سنت و واکاوی آن در چهار سطح لیتانی، اجتماعی و گفتمانی و اسطوره‌ای روش به کار گرفته شده در این مقاله می‌باشد.

**یافته‌ها:** در یک قرن اخیر به دنبال فروپاشی عثمانی و ایجاد تحولات نظری و عملی (مفهومی و میدانی) گسترده در جهان اسلام، فرصت مناسبی برای نقش آفرینی خوانش‌های مختلف جنبش‌های اسلامی اهل سنت؛ اعم از اخوان المسلمین، حماس، جهاد اسلامی و حتی القاعده، طالبان، بوکوحرام و داعش و غیره در سطوح ملی و فراملی ایجاد شد. البته اکثر این جنبش‌ها در تحقق هدف اصلی خود یعنی برپایی دولت اسلامی ناکام بودند. اما این امر موجب حذف آنان از صحنه کنش‌گری منطقه‌ای و بین‌المللی نگردید؛ بلکه در مواردی مانند طالبان شاهد بازگشت آنان به قدرت بوده‌ایم یا اخوان المسلمین همواره در بویایی بین کنش اجتماعی و کنش سیاسی در نوسان است و جنبش‌های ضد اشغال‌گری نیز جبهه مقاومت اسلامی را تحکیم کرده‌اند. رسیدن به چهار سناریو (تقابل، تعامل، تنازل و تکامل) و بررسی اصلی‌ترین یافته این پژوهش می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** طی یک دهه پیش‌رو، تداوم تقابل با جریان‌های افراط‌گرای اسلامی مانند داعش و بوکوحرام در سطح جهانی ادامه خواهد داشت و همچنین تقابل حاکمیت‌های فعلی جهان عرب با جریان‌های اصلی و تأثیرگذار اسلامی اهل سنت اعم از طیف‌های گوناگون اخوان المسلمین تداوم دارد.

**واژگان کلیدی:** اسلام‌گرایی، جهان عرب، اهل سنت، آینده‌پژوهی، غرب آسیا (خاورمیانه).

### نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۹/۹  
استناد: اکبری (۱۴۰۲)، دورنمای حکمرانی اسلام‌گرایان اهل سنت در جهان عرب، مطالعات سیاسی جهان اسلام، پاییز ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۷-۸۵-۱۰۷.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## مقدمه

اسلام‌گرایی (اسلامیة<sup>۱</sup>) گستره مفهومی فراخی در سطح جهان اسلام دارد که با تاریخ، فرهنگ و هویت کل منطقه خاورمیانه و جهان اسلام گره خورده است و مهم‌ترین کنش‌گران آن اسلام-گرایانی هستند که خواهان تشکیل حکومت اسلامی یا بر اساس خلافت (اهل سنت) و یا بر مبنای امامت (شیعیان) هستند. در یک تقسیم‌بندی کلی، اسلام‌گرایی در جهان اسلام را علاوه بر شیعی و سنی، می‌توان به دو دسته عرب و غیر عرب نیز تقسیم کرد که بر این اساس عرب بودن در کنار سنی یا شیعه بودن، نظام هویتی و معرفتی آنان را سامان می‌بخشد. نگاهی به قانون اساسی کشورهای عربی نشان می‌دهد که ۱۳ کشور عربی برای تعریف «ملت» از اصطلاح «ملت عرب» استفاده کرده‌اند.<sup>۲</sup> در یک تعریف ساختاری، هویت اصلی جامعه عرب بر مبنای عشیره و قبیله بنا شده است. فرد و هویت ملی و به تبع آن منافع ملی، خارج از مناسبات عشیره‌ای معنا ندارد. لذا عشیره برترین نهاد در جامعه عربی است و از هر حزبی تاثیرگذاری بیشتری دارد و مواضع سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها مطابق نظام طایفه‌ای پیش می‌رود. این امر در حادترین شکل خود، خشونت و جنگ‌های درونی جامعه عرب و حتی بیرونی آن را گسترش می‌دهد. به صورتی که تنها نبودی یکی از طرفین، پایان جنگ به شمار می‌رود. ریشه خشونت و افراط‌گرایی داعش را نیز در این خصیصه عشیرگی می‌توان جستجو کرد. البته جریان‌های معتدل اسلام‌گرای درون جامعه عربی مانند اخوان المسلمین نیز این ویژگی جامعه عربی را در فعالیت‌های خود مد نظر دارند و امت‌گرایی را با اولویت *الجمالیة السنیة العربیة* «جامعه عربی اهل سنت» دنبال می‌کنند و نوع نگاه خود به شیعیان و غیر عرب‌ها را نیز در این چهارچوب ارزیابی و تنظیم می‌کنند. جایگاه این گروه از اسلام‌گرایان در جهان عرب به خصوص اخوان المسلمین و دورنمای آن موضوع اصلی این مقاله می‌باشد و هدف اصلی از پرداختن به چنین پژوهشی، ایجاد افق جدیدی در درک کنش‌گری خوانش‌های اصلی اسلام‌گرایی اهل سنت - با نگاه آینده - جهت تنظیم رابطه با آنان از سوی جامعه نخبگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌ورزی آن به عنوان حکومت دینی است که در این نوشتار با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار سطح به آن می‌پردازیم.

## آینده پژوهی به روش تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها

تحلیل لایه‌ای علت‌ها روشی است که به دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تبیینی، انتقادی و یادگیری هنگام عمل است. کاربرد آن به‌عنوان یک روش به مثابه

۱. الإسلامیة مصطلح سیاسی و اعلامی و آکادمی استخدم لتوصیف حركات تغییر سیاسیة تؤمن بالإسلام باعتبارها «نظاما سیاسیا للحکم»، ویستخدم هذا المصطلح من قبل المجموعات السیاسیة المناوئة للإسلامیین. وائل صالح، («الإسلامیة» كمناطقة عمیاء فی «الأكادیمیة العربیة»، العین الإخباریة، ۲۰۲۰/۱۲/۱۰).

۲. برای مطالعه بیشتر ن.ب: فاوست لوییس، خاورمیانه بعد از قیام‌های عربی، ص ۱۹۶ الی ۲۰۶.

پیش‌بینی<sup>۱</sup> آینده نیست و معنای خلق فضاها و تحول‌ساز برای خلق آینده‌های بدیل<sup>۲</sup> را می‌دهد. این روش چهار سطح لیتانی<sup>۳</sup>، علل اجتماعی، گفتمان - جهان‌بینی، اسطوره - استعاره دارد. سطح لیتانی، واقعیت آشکار میدانی را نشان می‌دهد. سطح دوم، دورنمای علت‌های اجتماعی را واکاوی می‌کند. در سطح سوم جهان‌بینی و ایدئولوژی مشخص می‌شوند. سطح چهارم اسطوره و استعاره است که ابعاد احساسی ناخودآگاه را بیان می‌دارد (عنایت‌الله، ۱۳۸۸: ۱۰ و ۹). در این روش هر چهار لایه با هم پوشانی یکدیگر، تعمیق درک ما بر راه حل‌ها و سناریوها را افزایش می‌دهد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با حرکت در سطوح تحلیل مواضع معرفت‌شناختی مختلف را کنار هم قرار می‌دهد و آن‌ها را در سطوح مختلف دسته‌بندی می‌کند.

روش مزبور دارای مزایایی به شرح ذیل است

- تأکید بر ابعاد عینی و ذهنی شکل دهنده آینده.
- توان عبور از سطحی‌نگری در شناخت لایه‌های جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، گفتمان‌ها، اسطوره عمیق‌تر، و استعاره‌های شکل دهنده به آینده.
- کاربست رهیافت‌های نظری مختلف در این روش شامل تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی.
- ادراک عوامل شکل دهنده به آینده نه پیش‌بینی آینده.
- گستردگی و توسعه سناریوها به گونه‌ای که طیف وسیعی از سناریوهای ممکن و محتمل در خصوص موضوع بررسی را در اختیار قرار می‌دهد.
- اجازه حرکت و فعالیت به دامنه‌ای از اقدامات تحول‌گرا.<sup>۴</sup>

### لایه اول: لیتانی (وضعیت فعلی و آشکار اسلام‌گرایان اهل سنت در جهان عرب)

یکی از بهترین شیوه‌های تحلیل لیتانی، توصیف جامع پدیده‌هاست تا از پرتوی توصیف این پدیده‌ها بتوان به تحلیلی منطقی دست یافت. توصیف، شرح، چگونگی و چیستی مسأله است. گاهی تبیین، توصیف پنداشته می‌شود، اما توصیف، به تشریح وضع موجود و حال پدیده نظر دارد، اما تبیین معنی کردن، پیچیدگی مسأله را آشکار کردن است و اینکه جنبه‌ای از جوانب امر که مسأله را نامفهوم کرده است زوده و آنرا معلوم و عقل‌پسند و عقل‌پذیر می‌کند (سروش، ۱۳۷۴: ۷۸). توصیف، رویدادها را با بهره‌گیری از واژه‌ها و جمله‌ها، معین می‌سازد و ساخته‌های ذهنی را ایجاد می‌کند. توصیف‌ها اصطلاحاتی هستند که به پژوهشگر کمک می‌کند تا مشاهده یک واقعیت را به موارد گسترده‌ای تعمیم دهد (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۸۷).

1. Predicting
2. Alternative futures
3. Litany

۴. سهیل عنایت‌الله، تحلیل لایه لایه‌ای علت‌ها، پیش‌گفتار کتاب

در این لایه با توصیف و تشریح وضع موجود جهان اسلام تحولات، بحران‌ها و انقلاب‌های عربی و رابطه آن با اسلام‌گرایی و نیز عواملی که بر اساس داده‌ها، اطلاعات اولیه و مشاهدات عینی، بر وقوع و تداوم تحولات منطقه‌ای از سال ۲۰۱۱ بعد تأثیرگذار بودند، ارزیابی می‌گردد.

#### مدل توصیفی تحولات جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ در سطح لیسانی

ماهیت تحولات	انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی (مردمی، اسلامی، دموکراتیک، ضد استبدادی) جنبش‌های ضد اشغال‌گری (مبارزه با اشغال‌گری اسرائیل)
سطح تحولات	ملی: (انقلاب در کشورهای مختلف عربی با شعار الشعب یرید اسقاط النظام) منطقه‌ای: (سرایت به کل منطقه و دخالت دیگران برای هدایت انقلاب‌ها یا جلوگیری از تسری آن به کشورهای خود). فرمانطقه‌ای: (دخالت قدرت‌های فرمانطقه‌ای جهت مدیریت تحولات و انقلاب‌ها)
هویت تحولات خاورمیانه	مادی: (دسترسی به شغل و رفاه اقتصادی بیشتر) غیر مادی: (استبداد ستیزی، آزادی خواهی، بازگشت به هویت اسلامی)
کنش‌گران اصلی انقلاب‌ها ابزارهای اصلی انقلاب‌ها	جنبش‌های آزادی‌خواه و تحول‌خواه، جوانان، اسلام‌گرایان، روشنفکران و... شبکه‌های مجازی، ماهواره‌ها و رسانه‌ها (حضور گسترده مردمی در خیابان‌ها)

رویدادهایی که سال ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد، سریعاً جهان اسلام را درنوردید و آثار آن بیش از تحولات ۶۰ سال قبل بود. در پی این حوادث، ناآرامی‌های زیادی در کشورهای عربی - اسلامی شکل گرفت. موج اول آن از تونس و مصر به اردن، یمن، سوریه و بحرین نیز رسید، اما تمامی این جنبش‌ها و ناآرامی‌ها مسیر یکسانی را طی نکردند (Sorensen, 2011). سپس موج جدید این بحران‌ها به کشورهای سودان و الجزایر رسید و موجب تغییر رهبران سیاسی این کشورها گردید.

طرفداران اسلام‌گرایی، تحولات جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ به بعد را موج جدید اسلام خواهی در برابر لیبرالیسم آثار مدرنیته در جهان اسلام می‌دانند و در مرحله‌ی اول با نام‌گذاری بیداری اسلامی به دنبال استقرار حکومت اسلامی در کشورهای انقلابی بودند. آن‌ها پیش‌بینی می‌کردند اسلام‌گرایان موقعیتی برتر در جهان اسلام پیدا خواهند کرد. این نشانه‌ها حکایت از این داشت که اسلام‌گرایی جان جدیدی پیدا کرده و تشکیل حکومت‌های اسلامی در کشورهای اسلامی و عربی امری دستیافتنی است. همچنین ادامه این حرکت می‌تواند خروج امریکا از منطقه و نابودی رژیم اسرائیل را در پی داشته باشد. اما ادامه این تحولات که با دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای همراه بود عملاً حذف یا تضعیف اسلام‌گرایان را به دنبال داشت.

در سطح لیسانی شاهد آن هستیم که نام‌گذاری تحولات، نوع ورود و رفتار بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متناقض، فاقد راهبرد مشخص است. لذا برپایی حکومت اسلامی مورد حمایت مردم، دموکراسی به عنوان اصلی‌ترین خواسته و عامل تداوم این تحولات تلقی شد. اما در ادامه روندها به شکلی پیش رفت که اسلام‌گرایان با چالش‌های بسیاری مواجه شدند. حامیان الگوی حکومت اسلامی، اسلام سیاسی را نیرویی اجتماعی عظیم و تأثیرگذار می‌دانند که همراه با موج تحول‌خواهی در جهان اسلام به حرکت درآمد، اما به واسطه‌ی عدم اتخاذ راهبرد مناسب از سوی جریان‌هایی نظیر اخوان المسلمین در تشکیل ائتلاف‌های داخلی و منطقه‌ای ناکام شد و

خیانت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نسبت به آرمان مردم منطقه موجب سرکوب این حرکت گردید و عوارض آن نیز تشدید خشونت و بحران در جهان اسلام را در پی داشت. در چهارچوب یکی از دلایل مهم فعالیت جریان‌های افراطی - تکفیری و افزایش خشونت در جهان اسلام، انحراف در مسیر بیداری اسلامی و حذف جریان‌های میانه رو مانند اخوان المسلمین عنوان می‌شود.

### لایه دوم: سطح تحلیل اجتماعی (عوامل، بسترها و ریشه‌های تحولات اسلام گرایی)

در این سطح با توجه به عوامل تاریخی کوتاه مدت و میان مدت، ریشه‌های سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و تحولات مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر بپذیریم پدیده‌ها مقولاتی «وابسته به زمینه»<sup>۱</sup> هستند که یک‌باره پدیدار نمی‌شوند و طی فرایندی تدریجی در بستر جامعه شکل و تکوین می‌یابند، در آن صورت می‌توان گفت هر پدیده‌ای یک هویت اجتماعی دارد که دوره قبل از ظهور عینی آن را نیز شامل می‌شود. بر این اساس ناآرامی‌های پدیدآمده در جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ را می‌توان در بستر هویت، تمدن، خلافت و حکومت اسلامی تحلیل کرد، که این هویت و تمدن در مواجهه با پدیده‌هایی مانند استعمار، استبداد، مدرنیته، ناکارآمدی دولت - ملت‌ها و ... آسیب فراوانی دیده است. لذا عده‌ای به دنبال بازیابی هویت، عده‌ای به دنبال بازخوانی و بازاندیشی آن و عده‌ای نیز به دنبال بازسازی هویت خود هستند. این نگره‌های گوناگون می‌تواند کنش‌گران زیادی را در این ناآرامی‌ها وارد کند و ابعاد آن را پیچیده‌تر کند. به تعبیر برچر: هرچه تعداد کنش‌گران بیشتر باشد، میزان عدم‌تجانس، نابرابری یا تعارض در تحولات نیز بیشتر می‌شود (برچر، ۱۳۸۲: ۲۱). در این سطح عوامل دیگری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، مانند عنصر مکان (ملاحظات محیطی و جغرافیایی)، عنصر زمان (پدیده‌ها پس از تولد، سیر رشد، نمو، بلوغ، افول و نابودی را طی می‌نمایند)، گستره مخاطبان و اپیدمی شدن یک پدیده، استدلال‌های اقلی و اجماعی، میزان قدرت هر یک از بازیگران، عوامل اقتصادی و ... . لذا باید توجه داشت که پدیده‌های اجتماعی (از جمله انقلاب‌های عربی) برآمده از هویت جوامع اسلامی در جهان اسلام هستند (رومی، ۱۳۸۲: ۶۹۵-۶۹۲).

با توجه به نقش و جایگاه، رفتار و هویت کنش‌گران نیز درون این نظام معنایی جامع و کلی<sup>۲</sup> مشخص می‌شود. لذا هر اقدامی که بتواند این معنا و مفهوم کلی را تضعیف یا مخدوش سازد، تهدیدی اجتماعی تلقی شده و می‌تواند بحران سازی کند (وندت، ۱۹۹۲: ۳۹۰-۳۹۸)؛ به عبارت دیگر یک پدیده، متأثر از سامان فکری دولتمردان و نخبگان جامعه می‌تواند تهدید ساز و یا امنیت آفرین باشد. بر این اساس هر پدیده‌ای دارای بُعد یا هویتی اجتماعی است. موارد فوق الذکر، تحولات جهان اسلام از سال ۲۰۱۱ به بعد را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد.

1. Contextual
2. collective Meaning

عنایت الله معتقد است: دولت‌ها مانند گذشته قادر نیستند انعکاس رویدادهای خبری را در کنترل درآورند، حتی نمی‌توانند معانی مختلفی را که مردم برای رویدادها قائلند را به جهت دلخواه خود هدایت کنند. شبکه‌های اجتماعی موجب شده‌اند تا دولت‌ها نتوانند انقلاب‌ها را به سرعت به سوی نیستی سوق دهند، چرا که رژیم‌های استبدادی دیگر نمی‌توانند با حذف رهبران انقلاب باعث فروکش کردن سریع آن شوند. این جنبش‌ها، جنبه‌ی اخلاقی نیز دارند، زیرا علیه فساد و رانت‌خواری در ارگان‌های دولتی، که اقتصادهای جهان عرب را فلج کرده، قیام کردند. جهانی شدنی که از طریق اینترنت شکل گرفت جوانان عرب را با جهانی که در عین نزدیک بودن از آن‌ها بسیار دور بود، آشنا کرد. رسیدن به این جهان آن قدر هم آسان نبود! آن چه که روی داد، نوع کلاسیک «انقلاب توقعات روزافزون»<sup>۱</sup> بود و به این ترتیب وقتی کشورهایمانند بحرین، دست به شکنجه‌ی معترضین می‌زنند، دیگر قادر نیستند رفتار خود را از چشم دیگران پنهان کنند (Inayatullah, 2011). فرید ذکریا معتقد است: ویژگی اصلی بحران خاورمیانه، جوانان آن است. نزدیک ۶۰ درصد از جمعیت منطقه را جوانان زیر سی سال تشکیل می‌دهد. این جوانان، دارای آرزوهایی هستند که باید برآورده شوند. اما رژیم‌های کنونی، توان چندانی برای برآورده کردن نیاز آن‌ها ندارند (Zakaria, 2011, p18). از نظر عنایت‌الله: گرچه بعضی از مستبدین سقوط کردند، اما رهبران عرب تصمیم گرفتند ناآرامی‌ها را با توسل به زور و سیاست وحشت سرکوب کنند. عده‌ای هنوز دریچه‌ای را که مردم سالاری باز می‌کند، نه به سوی یک رنسانس نوین، بلکه به سمت فرصت‌هایی جدید برای مسلط کردن سیاست‌های بنیادگرایانه‌ی خود می‌بینند. اگر انقلاب‌های عربی بخواهند دوام داشته باشند، نباید اجازه دهند که از مرحله انتقالی دولت - ملت به مرحله‌ی اقلیت‌های قومی و یا مذهبی (سنی در مقابل شیعه)، سقوط کنند و یا حتی خود را به سطح ملی محدود سازند، بلکه باید خود را تا سطح اندیشیدن به جهان ارتقاء دهند (Inayatullah, 2011).

از جانب دیگر ایوب بیان می‌دارد: اگرچه قیام‌های عربی ناکام مانده، اما پیامدهای زیان‌بار آن ساختار دولت - ملت را در بسیاری از کشورهای عربی شکسته و شکاف‌های قومی و مذهبی را تشدید کرده است. این قیام‌ها زمینه ساز انفجار و توفان جهان اسلام شده است. وی با اشاره به فعالیت اسلام‌گرایان در این ناآرامی‌ها معتقد است: «آن‌ها اگرچه از بُعد سلبی (مخالفت با رژیم‌های مستبد) موفق بودند، اما در صورت آزمون از جنبه ایجابی و اداره حکومت، موفق نخواهند شد. او احتمال تلاشی شدن دنیای عرب از درون زیاد را دانسته و شرایط آن را با اروپای قبل از جنگ جهانی اول مقایسه می‌کند» (ایوب، ۱۳۹۴: ۴۸)<sup>۲</sup>. روی کارآمدن دوباره طالبان در افغانستان نمونه بارزی در این راستا می‌باشد.

1. revolution of rising expectations

۲. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: ایوب، محمد، (۱۳۹۴)، خاورمیانه نو از فروپاشی تا نظم یابی، فصول دوم و ششم

در کنار علل سیاسی و اجتماعی ذکر شده، نگاهی به دورنمای حکمرانی در جهان اسلام و غرب آسیا نیز نکته مهمی است که در این رابطه به دو گزارش روند پژوهی در این زمینه اشاره می‌شود:

الف: ماتیوج. بروز<sup>۱</sup> در گزارش «خاورمیانه در سال ۲۰۲۰ تعیین‌کننده روند جهانی یا متاثر از آن؟»<sup>۲</sup> آینده محتمل برای خاورمیانه را به سه گونه ترسیم می‌کند: «فرقه گرایی»، می‌تواند خطرناک-ترین سناریو باشد. رشد نوعی «استبداد نوین» دومین آینده است که در برخی از کشورهای منطقه دیده می‌شود. سومین سناریو «پیش به سوی بهروزی» است که خوشبینانه‌ترین سناریو است. جهان اسلام تنها تحت تأثیر فرایندهای جهانی نیست، بلکه خود تعیین‌کننده آینده‌ای خوب یا بد برای دیگر نقاط جهان است. هر سناریوی بالقوه‌ای در این منطقه تأثیر گسترده برای سایر نقاط جهان دارد. مناقشات بزرگ منطقه‌ای به خود منطقه محدود نمی‌شوند و به احتمال فراوان چشم انداز اقتصاد جهانی را نیز تعیین می‌کنند (Burrows, August 2014).

ب: به نظر تامارا کافمن ویتز فروپاشی نظام منطقه‌ای و دولت‌ها، نتیجه بحرانی طولانی مدت در روابط دولت و جامعه در جهان عرب است. آن‌ها نتوانستند به اندازه کافی به این بحران بپردازند و حتی برخی از آن‌ها سیاست‌هایی را در پیش گرفتند که مشکل را تشدید کرد. آینده جهان عرب تا حد زیادی با کیفیت حکومت و نه صرف وجود آن تعیین خواهد شد. اکنون سه الگو برای تسلط بر منطقه تلاش می‌کنند: مردم‌سالاری شکننده (تونس)؛ نظم از طریق توحش و خشونت (داعش)؛ و استبداد بازپایی شده. (مصر تحت سیسی) الگوی دوم و سوم مسیر پایدار یا موفقی را برای آینده خاورمیانه ارائه نمی‌کنند. با توجه به ترس و بی‌اعتمادی و سطح خشونتی که منطقه را در بر گرفته کرده و مسابقه به سوی سقوط که در آن افراط‌گرایی و اقتدارگرایی به عنوان الگوهای جایگزین برای حکومت عربی رقابت می‌کنند، جای تعجب نیست که بسیاری از مردم و نخبگان پشیمانی از قیام‌های عربی سال ۲۰۱۱ را ابراز می‌دارند. اما فروپاشی اعتماد اجتماعی تصور اینکه چگونه یک قرارداد اجتماعی جدید مورد مذاکره قرار گیرد، برقرار شود و اجرا گردد را دشوار می‌کند. بعید است که تحمیل یک قرارداد جدید اجتماعی از بالا به پایین نتیجه مثبت و پایداری تولید کند (کافمن ویتز، ۲۰۱۶).

### لایه سوم: سطح تحلیل گفتمان (تحولات درون گفتمانی و برون گفتمانی اسلام‌گرایی)

تحلیل لایه‌ای علت‌ها، آینده پژوهی را به صورت یک گفتمان می‌بیند؛ از این رو ارائه هر راه حلی باید از نقطه نظر قدرت مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل گفتمان، سطح بررسی روابط قدرت است و این که گفتمان‌ها چگونه در متن قرار می‌گیرند یا به حاشیه رانده می‌شوند. در این لایه ساختارهای گفتمان یعنی جایی که لیتانی و علل اجتماعی قرار دارند مورد پرسش واقع می‌شوند.

1. Mathew J. Burrows

2. Middle East 2020: Shaped by or Shaper of Global Trends?



این که نحوه‌ی مواجهه گفتمانی اسلام‌گرایان با تحولات جهان عرب از سال ۲۰۱۱ به بعد و همچنین تقابل آن با گفتمان‌های دیگر چگونه است.

نظریه گفتمان با قبول اصل ستیزه‌جویی<sup>۱</sup>، مدعی است هرگفتمان بر اساس غیریت‌سازی شکل می‌گیرد. لذا گفتمان اسلام‌گرایی نیز در مقابل دیگر گفتمان‌های موجود در نظام فکری و معنایی و جغرافیایی جهان اسلام تعریف می‌شود. گفتمان‌ها، با توجه به این‌که معطوف به قدرت و هژمونی هستند، روایت‌های دیگر را از صحنه طرد می‌کنند یا به چالش می‌کشند. به دلیل این‌که طرد و نفی در این ستیز عملی دوجانبه‌است، هر یک از اطراف نزاع دیگری را مانع دست یافتن به هویت کامل خود می‌داند. این ستیز در نمونه‌های مذهبی به طور معمول شکل ایدئولوژیک یا هنجاری می‌گیرد. با توجه به این‌که جلوگیری از انسداد هویت<sup>۲</sup> یا کامل شدن<sup>۳</sup> تجربه‌ای دوجانبه‌است، معمولاً رابطه با بیگانه در این تجربه بر اساس معادله‌ی دوست و دشمن شکل می‌گیرد و لبه‌های غیریت‌سازی در این رویکرد برنده و کینه‌توزانه است (رحیمی، ۱۳۹۲: ۲). لازم به ذکر است هویت‌ها موقعیت‌هایی هستند که درون گفتمان‌ها به فرد یا گروه اعطا می‌شوند. هویت‌ها مانند نشانه‌های زبانی در تمایز با دیگری شکل می‌گیرند و ارتباطی و نسبی‌اند و هیچ‌گاه کاملاً تثبیت نمی‌شوند، لذا هویت گفتمانی ناپایدار است. دلیل این تزلزل وجود منازعه بی‌پایان است. بنابراین در بحث هویت باید به نسبی بودن و در معرض نفی قرار داشتن توجه کرد (حسینی زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲). اگر خصومت وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و با آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصلتی موقتی دارند و هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شوند. بنابراین شرایط وجودی یک گفتمان وابسته به دیگری است و این غیر به همراه هویت‌هایی که ایجاد می‌کند یک کل تفکیک ناپذیر را شکل می‌دهد، لذا فاصله‌ای بین آن‌ها قابل تصور نیست (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۳۹). شاید بتوان گفت که اسلام در طول تاریخ منبع شکل دهنده هویت، حکومت و حاکمیت برای مسلمانان بوده است، به طوری که جهان عرب و اسلام بدون «اسلام» قابل تعریف نیست. لذا از زمان شکل‌گیری خلافت در جهان اسلام تا انحطاط و فروپاشی آن، حضور اسلام در کانون معادلات قدرت امری بدیهی بود، اما جهان اسلام (به خصوص اهل سنت) در دو قرن اخیر، به واسطه‌ی افول قدرت سیاسی، شاهد بحران اساسی درونی بوده است. این بحران با انحطاط امپراتوری عثمانی و تأسیس دولت - ملت‌های اسلامی، هویدا شد و گفتمان‌های مطرح و هژمون اعم از ناسیونالیسم، لیبرالیسم، کمونیسم و... همواره با چرخه خصومت، بحران و طرد روبرو بودند. در این دوران اسلام‌گرایی همواره به عنوان گفتمانی انتقادی و مؤثر در عرصه سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نقش ایفا کرده است. هانتینگتون اسلام‌گرایی معاصر را عکس‌العملی برابر تمدن و ارزش‌های غربی می‌داند و می‌گوید: «اسلام‌گرایان معاصر، ارزش‌های تمدنی غرب از قبیل

1. Antagonism  
2. Identity blockage  
3. Fullness

دموکراسی، آزادی، برابری، حقوق بشر، لیبرالیسم و... را خطری برای هویت تمدنی خود می‌دانند و به شدت در مقابل آن ایستادگی می‌نمایند» (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۶۹).

نگاهی به مباحث ذکر شده از یک سو این موضوع را نمایان می‌سازد که تحولات یک قرن اخیر جهان اسلام و عرب، خارج از چهارچوب گفتمانی و هویتی قابل بررسی نیست. از سوی دیگر نگاهی به فضای درون گفتمانی اسلام‌گرایی این مساله را نمایان می‌کند که اولاً در حال حاضر فاصله بین خوانش شیعی و قرائت سنی این گفتمان در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا به دلیل افزایش سطح بحران‌ها و تنش‌ها بیشتر شده و این فاصله می‌تواند زمینه تخاصم را تشدید کند و همچنین در داخل کشورها نیز مرزبندی میان شیعیان و اهل سنت (سلفی) آشکارتر شود. بر این اساس دو سطح تخاصم داخلی و منطقه‌ای برای این گفتمان قابل فرض است. ثانیاً همانطور که ایوب می‌گوید: «چنانچه تعداد قابل ملاحظه‌ای از اسلام‌گرایان مانند اخوان المسلمین احساس کنند قواعد بازی مورد نظر آن‌ها به صورت منصفانه به کار گرفته نمی‌شود، آن‌ها از مسیر دموکراسی ناامید شده و به سمت شیوه‌های غیرقانونی حصول قدرت نظیر خشونت، حرکت خواهند کرد» (ایوب، ۱۳۹۴: ۱۳۶) و بخش اعظم دستاورهای گفتمانی آنان در این فضا از دست خواهد رفت.

### لایه چهارم: سطح اسطوره‌ای و استعاره‌ای (تشکیل حکومت دینی توسط اسلام‌گرایان)

ذکر این گذاره قابل توجه است که در جهان اسلام و غرب آسیا بیشتر حوادث حکومت می‌کنند تا منطق. شرایط سیاسی - اجتماعی به واسطه ضدیت و خصومت گفتمان‌ها و سیالیت قدرت همواره بی‌قرار است. این امر در خصوص جهان عرب و جهان اسلام مصداق بیشتری دارد. این منطقه بیش از هر چیز یادآور منازعه است. جنگ‌های متعدد بین اعراب و اسرائیل، سه جنگ بزرگ در خلیج فارس، جنگ‌های داخلی متمادی، پیدایش جنبش‌های اسلامی مختلف و مخالف نظم موجود و رشد بنیادگرایی اسلامی باعث شده‌اند تا این منطقه تداعی کننده خونریزی و درگیری باشد (Ayustns, 1995, 3). گفتمان‌های مسلط در جهان عرب همواره با بحران‌ها و مشکلات متعددی در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی دست به گریبان‌اند. این بحران‌ها که موجب بی‌قراری می‌شوند و مفصل‌بندی‌های هژمونیک را ناتوان و ضعیف جلوه می‌دهند، پاشنه آشیل همین گفتمان‌ها نیز هستند. لذا سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین را که بتواند مشکلات موجود را بر طرف سازد در جهان عرب و اسلام نیز سوژه‌هایی مانند اسلام، دموکراسی، ناسیونالیسم و... مدعیان اصلی حل مشکلات هستند. در چنین شرایطی نظریه‌های اجتماعی برای تبیین مشکلات و ارائه‌ی راه حل، تولد می‌یابند و به عنوان بدیلی برای گفتمان موجود مطرح می‌شوند. نظریه‌های اجتماعی فضایی آرمانی (اسطوره‌ای) از جامعه ارائه می‌دهند که در آن از بحران‌ها و مشکلات اثری نیست. اسطوره‌ها محصول بی‌قراری‌های گفتمان‌های حاکم بر نظام اجتماعی‌اند و به دنبال راهی از این بی‌قراری و خلق یک عینیت اجتماعی جدید هستند. از نظر لاکلاو جامعه، خود یک تصور اجتماعی عینیت‌یافته و اسطوره‌ی مجسم و متبلور است که

دچار بحران گردیده و متزلزل شده است. در نتیجه جامعه برای حل بحران و پر کردن خلأها همواره نیازمند نظریه‌پردازی و گفت‌وگو است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

اسطوره تقاضاهای یک طبقه خاص از جامعه یا گروه را نمایندگی می‌کند و این برای تبدیل شدن به یک گفت‌وگو هم‌زمن کافی نیست. بنابراین، اسطوره باید به تصور اجتماعی بدل شود. تصور اجتماعی برخلاف اسطوره همگانی بوده و بخش‌های گوناگون جامعه را نمایندگی می‌کند. تصور اجتماعی، فضای آرمانی خلق شده توسط اسطوره است که میان افراد جامعه عمومیت یافته است. به طور مثال اسطوره‌های ایران باستان مانند رستم، کوروش و... استعاره عظمت (قدرت و اعتبار) جهانی برای ایرانیان بوجود آورده است، این اسطوره‌ها در کنار اسطوره‌های دینی - مذهبی مانند امام علی (ع) و امام حسین (ع)، استعاره شجاعت و عدالت را رواج داده است. همچنین اسطوره‌هایی مانند ابن سینا، خواجه نظام الملک، حافظ، فردوسی و... استعاره تمدنی، علمی، فرهنگی در جامعه ایران را ایجاد کرده است و این تصویرسازی اجتماعی تا کنون نیز ادامه دارد.

اسطوره برای فراگیر شدن، باید از سطح نیازها و تقاضاهای موجود جامعه فراتر رود و شکلی استعاری و آرمانی به خود بگیرد. در این حالت، یک گفت‌وگو خود را عام و جهان‌شمول و پاسخ‌گوی نیازها و تقاضاهای موجود در جامعه نشان می‌دهد و این نکته را که یک گفت‌وگو نمی‌تواند همه گروه‌های اجتماعی و خواسته‌های آنان را نمایندگی کند، پنهان می‌کند. این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که واقعیت‌های اجتماعی متکثر و پیچیده هستند و نمی‌توان آن را تمام و کمال بازنمایی کرد. از این رو، چاره‌ای جز پناه بردن به اسطوره و استعاره نیست که آن هم با واقعیت فاصله دارد. گفت‌وگو در حال پیدایش برای هم‌مونیک شدن، باید خود را به عنوان تنها راه حل موجود برای خروج از شرایط بحران معرفی کند و خواسته‌های مشخص و جزئی در آن جنبه نمادین یافته، به عنوان مصادیقی از تقاضاهای عمومی و خواسته‌های عام معرفی شوند. بدین شکل اسطوره‌ها با ایجاد یک فضای آرمانی و استعاری به تصور اجتماعی تبدیل می‌شوند. جوامع شکل یافته در جهان اسلام به خصوص طی یک قرن اخیر، حاصل بی‌قراری‌های گفت‌وگوهای حاکم بر آن (اعم از سکولار، ملی‌گرا، غرب‌گرا، شرق‌گرا و...) هستند و اسطوره‌هایی نظیر کمال آتاتورک (نماد دولت‌سازی مدرن)، جمال عبدالناصر (نماد ناسیونالیسم)، امام خمینی (نماد استکبارستیزی)، سید حسن نصرالله (نماد مقاومت)، بن لادن (نماد جهاد)، همواره تصویرهای اجتماعی با استعاره‌هایی مانند جامعه مدنی، دولت مدرن، حکومت اسلامی، خلافت، ولایت و... خلق کرده‌اند.

وجه اسطوره‌ای و استعاری گفت‌وگو اگرچه موجب تقویت و پذیرش آن در سطح عام می‌شود، اما موجب یک نقطه ضعف نیز هست. وجه استعاری یک گفت‌وگو سبب می‌شود تصور آرمانی در اذهان سوژه‌ها پدید آید و این مسأله باعث افزایش انتظار می‌گردد. اگر یک گفت‌وگو نمایش دهنده

آرمانی بی‌عیب و نقص است باید بتواند به همه تقاضاها پاسخی شایسته دهد و مشکلات را برطرف سازد؛ اما در عمل این کار ممکن نیست؛ زیرا بی‌قراری همواره وجود دارد و اساساً سامان‌دهی کامل واقعیت امکان ندارد. از این‌رو هنگامی که یک گفتمان مسلط شد به تدریج از فضای استعاری خود فاصله گرفته و ماهیت واقعی آن پدیدار می‌گردد. شکل‌گیری ناقص جامعه مدنی در ترکیه، تداوم استبداد در اکثر کشورهای عربی، ناتوانی در تشکیل حکومت دینی توسط اخوان‌المسلمین، تجسم یافتن جهاد در تروریسم توسط داعش و القاعده، همه نشان‌دهنده این موضوع است که گفتمان‌های مختلف نه تنها انتظارات جامعه خود را افزایش داده‌اند، بلکه در حل مشکلات و معضلات نیز ناتوان بوده‌اند و حتی آن را پیچیده‌تر کرده‌اند. وقتی گفتمان مسلط نتوانست وعده‌های خود را عملی سازد و بحران‌ها را سامان دهد، جامعه از آن فاصله می‌گیرد و کم‌کم نارضایتی‌ها نسبت به گفتمان حاکم آشکار می‌شود. این وضعیت، منجر به از خود بیگانگی و ایجاد بحران هویت در سوژه‌هایی می‌شود که روزی خود هواداران آن بوده‌اند. بدین ترتیب، زوال گفتمان مسلط آغاز می‌شود و جامعه آماده هویت‌یابی با گفتمان‌ها و اسطوره‌های جدیدی می‌شود (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۳).

سقوط نظام‌های سیاسی در تونس، مصر، لیبی، یمن و شکل‌گیری داعش، احرار الشام و... حاکی از عدم توان گفتمان‌های حاکم و آسیب دیدن اسطوره‌ها و استعاره‌های سازنده این گفتمان‌ها در کشورهای فوق‌الذکر است، اما بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان که نمونه غیر عربی اسلام‌گرایی است، می‌تواند این معادله را تا حدی مختل کند.

با توجه به تحلیل انجام شده در چهار سطح و لایه لیتانی، اجتماعی، گفتمانی و اسطوره‌ای، بررسی دو سطح خرد و کلان این لایه‌ها ما را به جمع‌بندی کامل‌تری برای ترسیم سناریوها و نتیجه تحقیق سوق می‌دهد.

**سطح کلان:** در حوزه علوم انسانی و اجتماعی هر پدیده‌ای برآمده از جهان بینی و دارای قالب خاصی از مبانی و مبادی فکری بوده و دارای یک نظام ارزشی و مفهومی و نمادها و رفتارهای خاص است که حکایت از فرهنگی بودن این پدیده‌ها دارد. بنابراین، فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی دارای سه سطح قابل تفکیک‌اند که بر هم کنش دارند. اول: نمودهای فرهنگ؛ این سطح که همان سطح روستا است شامل همه پدیده‌های قابل مشاهده است؛ مانند شرکت فعال مردم در تظاهرات‌ها، نمازهای جمعه، حضور زنان و جوانان در عرصه‌های مختلف، بکارگیری فضای مجازی در سطح گسترده و عمومی شدن مطالبات «تغییر» در کل جهان اسلام. دوم: سطح ارزش‌های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری؛ این سطح شامل ارزش‌ها، هنجارها و باید و نبایدهایی است که مبنای عمل افراد و جوامع قرار می‌گیرد؛ مانند حقوق بشر، عدالت و ... سوم: سطح مفروضات اساسی و اصولی است. این مفروضات بر سطح ارزش‌های حمایتی اثر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد (شاین، ۱۳۸۲: ۲۸). در این سطح نه تنها اسطوره‌های ملی‌گرایی، انسجام

ملی و... در تحولات جهان عرب در جای خود باقی ماند، بلکه اسطوره‌های اسلامی، دموکراتیک و... نیز قوت گرفته و گفتمان‌هایی همچون اسلام‌گرایی، خود را در تضاد با این اسطوره‌ها مطرح نکردند. نمونه بارز این مدعا را می‌توان در شیوه مدیریت و عملکرد اخوان المسلمین در انقلاب مصر مشاهده کرد.

سطح خُرد: در کنار سطح تحلیل کلان فوق‌الذکر، بررسی استعاره‌ها و اسطوره‌ها نیز به تحلیل ما کمک می‌کند. در این سطح می‌توان دو خوانش شیعی و سنی از اسلام‌گرایی را مورد بررسی قرار داد. در خوانش شیعی، ولایت و امامت از ارکان و اصول دین محسوب می‌شود که تصور اجتماعی و اسطوره شیعیان را می‌سازد. خوانش شیعی این گفتمان در مراحل مختلف و به صورت تدریجی با مفصل‌بندی، قرائت و تفسیر امامت و ولایت، به عنوان بخشی از رسالت، اصل معصومیت امامان و انحصار امامت در خانواده پیامبر (ص) را تحت عنوان دالّ اصلی این گفتمان را سامان بخشیده و استعاره حکومت جهانی امام معصوم را به عنوان راه‌حل نهایی برای برون رفت از مشکلات و دستیابی به سعادت حقیقی بشریت می‌داند.

نظریه خلافت بر اساس شرع و عقل و رده بندی حقانیت چهار خلیفه با اتکا به اصل اجماع در میان اهل سنت مطرح است. خوانش سلفی این گفتمان برای توجیه این قرائت، روایت‌هایی در باب رهنمودها و اشاره‌های پیامبر (ص) مبنی بر تعیین خلفاء به عنوان جانشین و هدایت و دستور پیامبر (ص) مبنی بر پیروی از سنت خلفای راشدین را بیان می‌کند. بحث خلافت باوری نزد اهل سنت در امتداد زمان به تغییر خلافت به ملوکیت و طرح ریزی احکام سلطانی و نصیحت الملوک انجامید. در تاریخ معاصر بعد از سقوط خلافت عثمانی، بازسازی خلافت برای نجات امت اسلامی یا دست یافتن به خلافت موعود بر روش نبوت، بنیاد فکر و اندیشه‌ی بسیاری از جریان‌ها و حرکت‌های اسلامی سنی‌مذهب چون اخوان المسلمین، حرکت خلافت، جماعت اسلامی، حزب التحریر، القاعده و طالبان را تشکیل می‌دهد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۲) اما در ادامه راه اخوان المسلمین و طرفداران خوانش معتدل این گفتمان با پذیرش استعاره‌های دولت-ملت مدرن، حقوق بشر و... خود را از جریان‌ات تکفیری و افراطی جدا می‌کنند و راه تشکیل دولت اسلامی را منحصر در بازسازی خلافت نمی‌بینند.

در این سطح می‌توان به این نتیجه رسید که احیای تمدن اسلامی با نام تمدن نوین اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، وحدت مسلمانان و احیای مدینه النبی مبنای فکری آینده و استعاری گفتمان اسلامی را می‌سازد. به این صورت که در قرائت شیعی مهدویت با نگاه به آینده نماد و اسطوره و ولایت استعاره آن را شکل می‌دهد و نزد اهل سنت، با نگاه به گذشته، اسطوره جامعه النبی، احیای خلافت را مبنای استعاری خود قرار می‌دهد. لذا خوانش شیعی گفتمان اسلام-گرایی «آینده محور» و خوانش سنی این گفتمان «گذشته محور» است.

در یک رویکرد کلی می‌توان گفت تا زمانی که اسلام در کانون و مرکز تحولات جهان اسلام قرار دارد، امت محوری و عبور از مرحله دولت - ملت مبنای فکر و عمل اسلام‌گرایان را تشکیل می‌دهد و همین امر موجب می‌شود نظم اجتماعی، سیاسی و امنیتی در جهان عرب همواره ناپایدار و ناهماهنگ با نظام‌های فکری سیاسی - امنیتی جهانی و محلی باشد. از سوی دیگر تعارض در اسطوره‌های شیعی و سنی نیز احتمال حفظ و گسترش سطح بحران در این منطقه را همیشه بالا نگه می‌دارد.

### پیشران‌های مهم (Driver Forces)

پیشران‌ها عناصر یا به تعبیری نیروهایی هستند که بر پیامد رویدادها اثر دارند و باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوارتز، ۱۳۸۸: ۱۲۴). در این تحقیق پیشران‌ها از دو جهت اهمیت دارند. از یک سو آینده را بر مبنای آن‌ها توصیف می‌کنیم و از سوی دیگر، تجویزهایی که برای تغییر آینده ارائه می‌شوند نیز متکی به همین نیروهای پیشران است. به این ترتیب، پیشران‌های احصا شده در این پژوهش به شرح جدول ذیل است:

- شکست داعش (نماد اسلام‌گرایی افراطی اهل سنت - عربی)
- شکست اخوان المسلمین (نماد اسلام‌گرایی اعتدالی اهل سنت - عربی)
- قدرت یابی مجدد طالبان (نماد اسلام‌گرایی افراطی اهل سنت - غیرعربی)
- تحولات فلسطین به عنوان مهمترین موضوع جهان اسلام (معامله قرن، توافقنامه ابراهیم و...)
- ثبات سیاسی حکومت‌ها در جهان عرب

### عدم قطعیت‌ها (Uncertainty)

عدم قطعیت از دو منشا اصلی منشا هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نشات می‌گیرد. عدم قطعیت‌های هستی‌شناختی ناشی از تغییر و تطور دائمی واقعیت‌های اجتماعی هستند (iran-futures.org). این تطور دائمی ریشه در تغییر شکل حالات ذهنی اسلام‌گرایان دارد که واقعیت‌های اجتماعی مورد نظر را شکل می‌دهند. عدم قطعیت‌های معرفت‌شناختی به این اشاره می‌کنند که اسلام‌گرایان همواره در شناخت هر واقعیتی (چه فیزیکی، چه اجتماعی) تحت تاثیر مبانی شناختی - هنجاری خود هستند. مبانی شناختی شامل پیش‌فرض‌هایی است که شناخت بر اساس آن‌ها حاصل می‌شود و مبانی هنجاری نیز نشان دهنده ارزش‌هایی است که اسلام‌گرایان بر اساس آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند. این مبانی شناختی - هنجاری هنگام شناخت واقعیت به صورت مانع و حجاب عمل می‌کنند. هر چه بر شتاب تغییرات جهانی افزوده شود، امکان پیش‌بینی آینده‌های جهان درازمدت کاهش می‌یابد. هر جا که آینده غیرقابل پیش‌بینی باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود که آینده با عدم قطعیت همراه است. شناسایی عدم قطعیت‌ها یکی مراحل اصلی در طراحی سناریوهای آینده است (لمپرت، ۱۳۸۵: ۳۶). عدم قطعیت‌ها با استفاده از پیشران‌ها مشخص می‌شوند. اگر وضعیت یک پیشران پیش‌بینی پذیری خوبی داشته باشد چنین پیشرانی

دارای قطعیت بالا و عدم قطعیت پایین است و بر عکس. با تحلیل لایه‌های چهارگانه عدم قطعیت‌های به دست آمده را می‌توان به شرح جدول ذیل بیان کرد:

میزان عدم قطعیت ساختاری

	پایین	متوسط	بالا	
بالا	تغییر شرایط فعلی در ترکیه، مصر، قطر و عربستان	قدرتیابی اسلام‌گرایان در جهان اسلام (مانند طالبان در افغانستان)	افزایش یا کاهش تنش میان جبهه مقاومت و ایران با امریکا	سطح تحلیل
متوسط	شناسایی رسمی بین‌المللی دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیل	تشدید بحران‌های اقتصادی-اجتماعی در جهان اسلام	افزایش یا کاهش تنش در روابط ایران با عربستان و متحدانشان	
پایین	قدرتیابی مجدد اخوان المسلمین در کشورهای عربی	عدم پشتیبانی مالی و لجستیک از اسلام‌گرایان و عدم توان بسیج مردمی	تغییر نظام‌های سیاسی عربی	

### سناریوهای تحقیق

وندل بل بر این باور است که تمامی روش‌های آینده‌پژوهی مقدمه سناریونویسی هستند و می‌توانند به خلق سناریو منجر شوند. سناریو نویسی را می‌توان روش خلاصه سازی نتایج تلاش‌های آینده پژوهی دانست (بل، ۱۳۹۲: ۴۷۴). سناریوها انسان را از غافل‌گیر شدن در برابر آینده‌های مبهم و مخاطرات شگفت زده باز می‌دارد و آینده‌های بدیل (ممکن و محتمل) را مشخص می‌سازد (Bishop, 2006: 18).<sup>۱</sup>

با بررسی سطوح چهارگانه ذکر شده و تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها، سناریوهای متصور در خصوص آینده اسلام‌گرایی (اهل سنت) تدوین می‌گردد. لازم به ذکر است بر اساس دیدگاه بورجسون نوع شناسی سناریوها عبارتند از: اکتشافی، هنجاری و پیشگو (بیشاب و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴). در این تحقیق به واسطه این‌که سناریوها بر اساس روش سطوح چهارگانه تحلیل لایه‌ای به صورت سناریوهای حفظ وضعیت یا تحول و گذار استخراج گردید، سناریوهای ترسیم

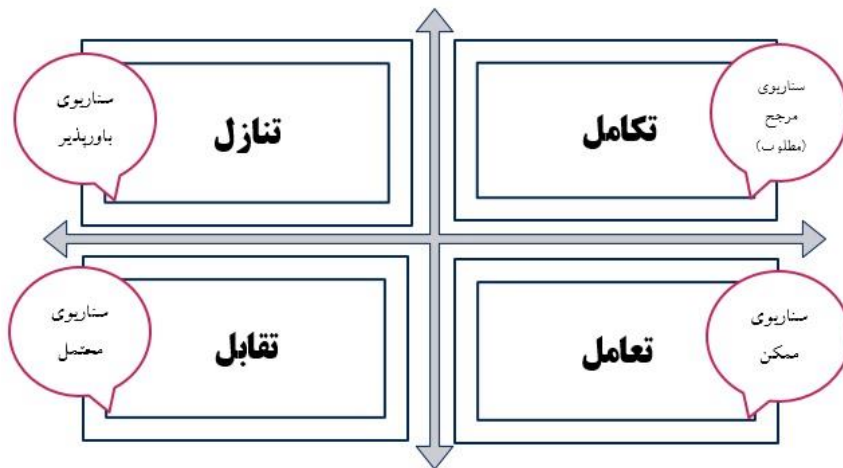
۱. در این‌جا نمونه‌ای از سناریوهای مطرح شده توسط جفری مارتینی، هیتز ویلیامز و ویلیام یانگ که در سال ۲۰۱۷ چهار آینده بدیل برای اسلام‌گرایی خاورمیانه طی ده سال آینده را ارائه می‌کنند به طور خلاصه مرور می‌کنیم: سناریوی اول: ظهور محلی‌گرایی؛ در این سناریو، عصر اسلام‌گرایی به عنوان یکی از هویت‌های مسلط در خاورمیانه رو به افول است. متعاقب آن پدیده‌ای محلی‌گرایی ظهور می‌کند و طی آن جوامع خواهان مشارکت بیشتر می‌شوند. محلی‌گرایی همیشه به شیوه‌ای مثبت و سازنده نمود پیدا نمی‌کند. گاهی اوقات، مکاتب پیشین (مثل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی) با هویت‌های انحصاری یکسان جایگزین می‌شوند. سناریوی دوم: جناح مستحکم شیعی برابر ناپسامانی اهل سنت؛ منافع متعارض و واگرا در داخل جناح اهل سنت، کارآمدی این جناح را محدود ساخته و به بازیگران شیعی امکان داده است تا تدریجاً از نفوذ آن بکاهند. بازیگران شیعه به دنبال فرصت‌هایی برای گسترش نفوذ خود می‌گردند و در عین حال، بازیگران سنی در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند و عقب‌نشینی جناح سنی به اتهامات متقابل و اختلافات رهبری بیشتر منتهی شده و بیش از پیش به شکاف‌ها دامن می‌زند. سناریوی سوم: سیاست لبه پر نگاه: مشخصه این سناریو، تشدید منازعه مذهبی است که تا سر حد منازعه منطقه‌ای و تقابل مستقیم عربستان و ایران پیش می‌رود. ترس از پیامدهای آن، باعث تلاش برای مهار نقاط اشتعال پیش از رسیدن به این سطح می‌شود. این سناریو از این احتمال حکایت دارد که افزایش منازعه فرقه‌ای با هدایت دولتی، در عمل می‌تواند این بازیگران منطقه‌ای را پس از مواجهه با چشم‌اندازهای بی‌نیاتی بیشتر، مجبور به عقب‌نشینی از لبه پر نگاه کند. سناریوی چهارم: منازعه موجب جداسازی می‌شود؛ در این سناریو، خشونت فعال تحت لوای فرقه‌گرایی تنها به این دلیل فروکش کرده است که منازعه قومی و آوارگی موجب جدایی غیررسمی جوامع شده‌اند. همانند سناریوی سوم، تأثیر کلی بر فرقه‌گرایی کاهش تنش‌ها است، اما این جریان، جوامع را در معرض خطر فیزیکی قرار داده و مبتنی بر اجبار است و نه پذیرش.

شده از نوع هنجاری می‌باشد و ارتباط سطوح مذکور با پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها به شکل زیر می‌باشد.

### تحلیل چهارسطحی ارتباط منطقی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی

پیشران	عدم قطعیت‌های کلیدی	سطح لیتانی	سطح اجتماعی	سطح گفتگویی	سطح استعاری
شکست داعش	عدم پشتیبانی مالی و لجستیک از اسلام‌گرایان عدم توان بسیج مردمی	حذف اسلام‌گرایی افراطی اهل سنت حداقل طی یک دهه آینده از صحنه قدرت	سرخوردگی و انفعال اسلام-گرایان افراطی اهل سنت	آسیب دیدن مفاصل گفتگمان اسلام‌گرایی با برسازی آن تحت عنوان تروریسم	ناکارآمدی نظری و عملی تشکیل حکومت اسلامی
حذف اخوان المسلمین	عدم پشتیبانی خارجی ناتوانی در بسیج اجتماعی	کودتا در مصر انزوا در تونس و...	برخورد سلبی با اخوان در مصر و سوریه و خلیج فارس	تولید بی‌در پی بی‌قراری و وقته‌های گفتگمانی	ناکارآمدی نظری و عملی تشکیل حکومت اسلامی
قدرت یابی مجدد طالبان	مشروعیت یابی بین‌المللی	تشکیل حکومت اسلامی	تغییر نگاه طالبان به قدرت و تغییر رویکرد قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به طالبان	شکست پروژه سکولاریسم در افغانستان و ترمیم گفتگمان اسلام‌گرایی	امکان تشکیل حکومت جهانی اسلام
تحولات فلسطین	شناسایی رسمی بین‌المللی دو دولت مستقل فلسطینی و اسرائیل	تایید معامله قرن و پیمان صلح ابراهیم	عدم توفیق مقاومت اسلامی و برقراری رابطه رسمی کشورهای عربی با اسرائیل	انفعال گفتگمان ضد اشغال‌گری	محو آرمان فلسطین به عنوان مهمترین موضوع جهان اسلام

### سناریوهای (هنجاری) دورنمای اسلام‌گرایی اهل سنت



### سناریوی مرجح (مطلوب): آغاز روند تکاملی اسلام‌گرایی

جریان‌های اسلامی اهل سنت با شکست اخوان المسلمین در مصر، سوریه، لیبی و سودان و... از این تحولات درس گرفته و با توجه به خروج نظامیان امریکا از منطقه، مشکلات عدیده بین‌المللی ناشی از بیماری کرونا و جنگ روسیه علیه اوکراین و همچنین الگوی موفق اسلام‌گرایی شیعی مقاومتی در لبنان و یمن، اقدام به بازسازی و تقویت روابط با دولت‌ها، اسلام‌گرایان و همچنین کشورهای منطقه خواهند کرد و در نهایت با تثبیت جایگاه معتدل این جریان (اخوان-المسلمین) با بازگشت به قدرت به صورت محدود در برخی کشورهای عربی، موفقیت نسبی پس از یک دهه سرکوب و فشار پیدا خواهند کرد. همانطور که این امر در افغانستان با قدرت یابی مجدد طالبان به وقوع پیوست.



نگاهی به پیشران‌ها (شکس داعش و قدرت‌یابی طالبان)، محرک‌ها (خروج امریکا از منطقه و جنگ اوکراین) و عدم قطعیت‌ها و کنش‌گری اسلام‌گرایان اهل سنت نشان می‌دهد این سناریو در کوتاه مدت و احتمال تحقق بسیار ضعیفی دارد، اما برنامه‌ریزی برای تحقق آن می‌تواند در دستورکار تمامی جریان‌های اسلامی قرار گیرد.

### **سناریوی ممکن: تعامل درون و برون گفتمانی اسلام‌گرایی در سطح نظام بین‌الملل و جهان اسلام**

ارتباط میان پیشران‌ها (تحولات میدانی صحنه فلسطین و نزدیکی کشورهای عربی و اسرائیل) و عدم قطعیت‌ها (عدم امکان بسیج مردمی و مشروعیت منطقه‌ای و بین‌المللی) نشان می‌دهد شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی جریان‌های اسلام‌گرای اهل سنت را صرفاً در وضعیت تلاش برای بقاء قرار خواهد داد و این امر آنان را مجبور به فاصله گرفتن از افراط‌گرایان و حامیان آنان خواهد کرد. ضمن اینکه آن‌ها به دنبال تعامل با اکثر جریان‌های درون گفتمانی و برون گفتمانی در سطح نظام بین‌الملل و منطقه خواهند بود. بر این اساس حداکثر فضای کنش‌گری آنان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. در این فضا امکان تغییر روش مبارزه آنان از مبارزه با استبداد و سرکوب داخلی به سمت همراهی با مقاومت ضد اشغال‌گری وجود دارد. هر چند امکان وقوع این سناریو را باید در نظر داشت، اما تحقق آن در کوتاه مدت و میان مدت بسیار ضعیف است.

### **سناریوی باورپذیر: امکان نزول سطح کنش‌گری و انحطاط اسلام‌گرایی اهل سنت**

نگاهی به روند تحولات، پیشران‌ها (شکست داعش، شکست اخوان المسلمین، شکست معارضة سوریه، تحولات چند سال اخیر الجزایر و سودان، همکاری برخی کشورهای عربی با اسرائیل و امریکا) و بررسی عدم قطعیت‌ها (عدم مشروعیت بین‌المللی طالبان و بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام) می‌تواند زمینه را برای انحطاط طیف‌های گوناگون اسلام‌گرایی عربی-سنی فراهم کند. ضمن این که فضای تقابلی موجود میان ایران با امریکا و تحریم‌های مختلف علیه ایران و سپاه پاسداران، امکان حمایت جمهوری اسلامی ایران از برخی اسلام‌گرایان (خارج از جریان مقاومت اسلامی) را عملاً ناممکن می‌سازد. این سناریو به عنوان بدترین حالت می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و عدم تصور آن یا ناباور پذیر دانستن آن امکان غافل‌گیری اسلام‌گرایان و حامیان آن‌ها را به طور فزاینده افزایش می‌دهد.

### **سناریوی تقابل: تداوم تقابل با افراط‌گرایان و افزایش تقابل اخوان المسلمین با حاکمیت‌های فعلی جهان عرب**

از یک سو، هرچند اسلام‌گرایان سلفی-تکفیری و سلفی-جهادی مانند داعش، القاعده، احرار الشام، بوکوحرام و... در عرصه ژئوپلیتیک و لجستیک شکست‌های متعددی را تجربه کرده‌اند، اما در عرصه ایدئولوژیک همچنان در جهان اسلام تأثیرگذاری دارند. بر اساس یک

قاعده کلی، هر جریان و گروهی که ضربه می‌خورد، دو فرض برای آینده آن قابل تصور است. یک گروه تندروتر از دل آن ظهور می‌کند و یک گروه نیز با بازخوانی مواضع گذشته، معتدل‌تر می‌شود (مانند طالبان). بررسی محرک‌ها، عدم قطعیت‌ها و پیشران‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم شکست این گروه‌ها امکان افراطی‌تر شدن و بازسازی آن‌ها به دلیل وجود بسترهای مناسب، در میان مدت وجود دارد. بر اساس برخی اطلاعات و اسناد در کل جهان اسلام چند صد هزار نفر به سمت افراط‌گرایی جدید در حال جذب هستند.

از سوی دیگر، بر اساس سطوح تحلیل ذکر شده می‌توان گفت: علی‌رغم اینکه اخوان المسلمین بر ادامه رویه مسالمت‌آمیز و اصلاحی خود اصرار دارد، اما در مقابل، مخالفین آن سعی در تحریک و تداوم برخورد با آن در سطح جهان اسلام را دارند. شاید دلیل، این امر باشد که کشورهای عربی با مشاهده روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان به هراس افتاده‌اند، یا این‌که به اتخاذ یک رویه در خصوص اخوان المسلمین نرسیده‌اند و در گزینه‌های ادغام، نابودی یا بازی سیاسی در تردید هستند. تروریست خواندن اخوان المسلمین و تداوم سرکوب آنان در این چهارچوب ارزیابی می‌شود. این امر در میان مدت (هرچند به صورت ناخواسته)، اخوان-المسلمین را در شرایط تقابل با حاکمیت‌های عربی و متحدین جهانی و منطقه‌ای آنان نگه می‌دارد. این سناریو با مقداری تأمل و تدبیر بیشتر می‌تواند محتمل‌ترین و قابل تحقق‌ترین سناریو باشد.

## نتیجه‌گیری

سخن از آینده اسلام‌گرایی و ترسیم سناریوهای آن پیچیده و دشوار است، اما روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به واسطه تحلیل عمقی و سطحی لایه‌های چهارگانه به بررسی جوانب مختلف موضوع و درک ارتباط منطقی میان پیشران‌ها و عدم قطعیت‌ها و تحلیل آن در چهار لایه مذکور و نهایتاً استخراج سناریوها کمک شایانی می‌کند.

در این تحقیق از یک سو مشخص شد بسیاری از عوامل مانند شکست یا پیروزی جریان‌های مختلف اسلامی، نحوه تعامل یا تقابل دولت‌های اسلامی، تغییرات آب و هوایی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و... با هم تداخل دارند و از سوی دیگر بسیاری از حوادث مانند همه‌گیری کرونا، قدرت‌یابی مجدد طالبان و جنگ اوکراین که جهان را شگفت‌زده کرد محرک‌های مؤثری بر سطوح مختلف لیتانی، اجتماعی، گفتمانی و استعاری آینده اسلام‌گرایی هستند. این امر در وضعیتی است که ساختار نظام بین‌الملل پایدار نبوده و ما شاهد رقابت بین آمریکا و چین و ظهور قدرت‌های جدید مانند هند و نیز تشدید تضاد هویت‌ها از ناسیونالیسم افراطی و یوپولیسم گرفته تا راست افراطی و مذهبی هستیم و شاهدیم که جهانی‌شدن از طریق زنجیره‌های تأمین باز اندیشی می‌شود. همه این‌ها با تغییر در کارکرد و نقش دولت‌ها و توزیع حاکمیت (نرم و سخت) نزد آنان و نقش‌آفرینی بازیگران جدید - از جمله گروه‌ها و سازمان‌های اسلام‌گرا- در کنار آن همراه است که ممکن است جایگزین دولت‌ها شوند و یا برخی از کارکردهای آن را با

گذار از ساختارهای فعلی برعهده گیرند. این عوامل، ساختارهای غیرمتمرکزی را تولید می‌کنند که تحت سلطه منطق شبکه‌ای اند، نه ساختارهای پایدار.

بر اساس یافته‌های این تحقیق در حال حاضر و در سطح کشورهای عربی و اسلامی:

۱- ما با چندگانگی بالقوه در ساختارها و کارگزارهایی مواجه‌ایم که طی یک دهه آینده بالفعل خواهند شد. چندگانگی‌هایی از قبیل دولت‌گرایی مدرن و حفظ سنت، آزادی و دیکتاتوری، کثرت‌گرایی سیاسی و استبداد حاکمیتی و ... .

۲- همچنین شاهد تغییر دائمی در وظایف و نقش‌ها و دوگانه‌های متضاد مانند دخالت و عدم دخالت هم‌زمان دولت در اقتصاد یا تمایز بین ساختارهای سکولار و مذهبی و غیره هستیم.

۳- می‌بینیم که قدرت‌ها و آشکال آن حول تمرکزگرایی و تمرکززدایی می‌چرخند که شاید منجر به تجزیه آن‌ها شود (مانند عراق، سوریه، یمن، لیبی و...). بنابراین گفتمان‌ها و جریان‌های اسلامی می‌توانند برای ظهور و بروز دوباره امیدوار باشند، اما اگر کسی تصور کند که می‌تواند شکل‌های قدیمی سازمان‌ها، گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های فراگیر اسلامی را بازتولید کند، متوهم است.

در نهایت شایان ذکر است این تحولات نمی‌تواند مسئله محوری مطرح شده در سطح جهانی و منطقه اعم از توزیع مجدد قدرت، ثروت، درآمد و فرصت‌ها را پنهان کند. لذا شکست‌های اسلام‌گرایان عرب- اهل سنت- طی یک دهه اخیر موجب حذف آنان از کنش‌گری سیاسی و اجتماعی در سطح جهان اسلام نخواهد شد. بلکه امکان بازتولید ایدئولوژی و گفتمان اسلام‌گرایی و بازاندیشی در زنجیره‌های تأمین آن با در نظر گرفتن شرایط ذکر شده وجود دارد که موجب کنش‌گری فعال آنان در ساحت سیاست و امنیت در کشورهای عربی خواهد شد، اما هم‌زمان تقابل دولت‌های عربی با جریان‌های اسلام‌گرا نیز افزایش خواهد یافت.

## کتابنامه

ابوالحسن شیرازی، حبیب اله، (۱۳۹۱)، تاثیرات بهار عربی و انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، (۱۹)۵. ۹-۳۶.

اسکیدمور، ویلیام، (۱۳۷۲)، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه محمد مقدّس و دیگران، تهران، سفیر.

الأشقر، جلیبر، (۲۰۱۳)، الشعب یزید: بحث جذری فی الانتفاضة العربیة، ترجمة عمر الشافعی، بیروت، دار الساقی.

ایوب، محمد، (۱۳۹۴)، خاورمیانه؛ از فروپاشی تا نظم‌یابی، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

برجر، مایکل، (۱۳۸۲)، بحران در سیاست جهان: یافته‌ها و مطالعات موردی، ترجمه حیدرعلی بلوچی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بل، وندل، (۱۳۹۲)، مبانی آینده پژوهی: تاریخچه، اهداف و دانش، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع.

پدرام، عبدالرحیم؛ احمدیان، مهدی، (۱۳۹۴)، آموزه‌های و آموزه‌های آینده پژوهی، تهران، مؤسسه افق آینده پژوهی.

حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۳)، نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، (شماره ۲۸)، (۴)، ۷، ۱۸۱-۲۱۲.

حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۹)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید.

حقیقت، سیدصادق، (۱۳۹۱)، روش‌شناسی علوم سیاسی، چاپ سوم، قم، انتشارات دانشگاه مفید. رومی، پل، (پاییز - ۱۳۸۲)، معمای امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۶ (۳): ۶۸۵-۷۱۰. شاین، ادگار، (۱۳۸۲)، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برزو فرهی و شمس‌الدین نوری نجفی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی سیمای جوان.

شوارتز، پیتز، (۱۳۸۸)، هنر دورنگری، برنامه ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت، ترجمه عزیز علیزاده، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

عنایت‌الله، سهیل، (۱۳۸۸)، تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها؛ نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول‌ساز آینده‌پژوهی، مجموعه مقالات، (جلد اول)، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. عنایت‌الله، سهیل، (۱۳۸۹)، پرسش از آینده: آینده‌پژوهی به‌مثابه روش‌ها و ابزارهای تحول‌سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

عنایت‌الله، سهیل، (۲۰۱۱)، بهار عرب: بعد از آن چه؟

<http://www.ru.org/index.php/political-science/178-the-arab-spring-what-is-next>  
فاوست، لوییس، (۱۳۹۷)، خاورمیانه بعد از قیام‌های عربی، ترجمه ناصر پورابراهیم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرا معاصر تهران.

کافمن ویتز، تامارا، (۲۰۱۶)، «درک چرایی و چگونگی سقوط خاورمیانه»، سایت شورای راهبردی روابط خارجی، نسخه بروکینگز برای نظم جدید منطقه‌ای، <http://www.scfr.ir/fa>  
کافمن ویتس، تامارا، (۱۵ آذر ۱۳۹۵)، «آیا جنگ‌های داخلی در خاورمیانه پایان می‌یابد؟» سایت شورای راهبردی روابط خارجی <http://www.scfr.ir/fa/>

لمپرت، رابرت جی، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی پابرجا برای یک قرن، ترجمه وحید وحیدی مطلق، انتشارات اندیشکده صنعت و فناوری.

ماهنامه نامه آینده‌پژوهی (مهر ماه ۱۳۹۳)، شماره ۱۳، <http://www.iran-futures.org>

هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۶)، ارتباط تمدن‌های اسلامی - کنفوسیوسی، نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، وزارت امور خارجه.  
https://www.aljazeera.net/opinions/2023/3/6 جذور الإسلام السياسي ومستقبله  
https://arabi21.com/story/1361531 مستقبل الإسلام السياسي بلمنطقة العربية: بين  
الاتجاه الفردی والاتجاه الأعظم  
https://arabicpost.net/opinions/2022/04/22/ انتهى للأبد أم قادر على العودة.. هل من  
مستقبل للإسلام السياسي؟  
https://www.ecssr.ae/publication/ مستقبل الإسلام السياسي في العالم العربي

## References

- Abolhassan Shirazi, Habibollah, (2012), The influence of the Arab Spring and color revolutions in Central Asia and the Caucasus, *Journal of International Relations Studies*. 9-36, (19) 5. (in Persian)
- Al-Ashqar, Gilbert, (2013), **The People Want: A Radical Research into the Arab Uprising**, translated by Omar Al-Shafi'i, Beirut, Dar Al-Saqi.
- Arab Spring: pro-democracy protest, <https://www-britannica-com.translate.goog/event/Arab-Spring>
- Ayoub, Mohammad, (2014), **Middle East; From Collapse to Ordering**, translated by Mehdi Sabeti and Sajjad Bahrami.
- Bell, Wendel, (2012), **The Basics of Future Research: History, Goals and Knowledge**, translated by Mostafa Tagvi and Mohsen Mohaghegh, Tehran, Defense Industries Educational and Research Institute.
- Bishop, p. & Hines, a. (2006), *Thinking about the Future: Guidelines for strategic Foresight*, Social Technologies. USA.
- Brecher, Michael, (2003), **Crisis in World Politics: Findings and Case Studies**, translated by Heydar Ali Balochi, Tehran, Strategic Studies Research Institute.
- Burrows, Mathew J. (August 2014), "Middle East 2020: Shaped by or Shaper of Global Trends?", Atlantic Council, Washington, DC, ISBN: 978-1-61977-061-4.
- Enayatullah, Sohail, "Causal Layered Analysis: Poststructuralism as method," *Futures*, Vol 30, No 8, 1998, 815–829. (in Persian)
- Enayatullah, Sohail, (2008), **Analysis of the layers of causes; Theory and studies of an integrated and transformative methodology of future research**, collection of articles, (Volume 1), translated by Masoud Manzavi, Tehran, Defense Science and Technology Future Research Center, Defense Industries Educational and Research Institute. (in Persian)
- Enayatullah, Sohail, (2010), **Questioning the future: Future Research as methods and tools of organizational and social transformation**, translated by Masoud Manzavi, Tehran, Defense Industries Educational and Research

- Institute, Defense Science and Technology Futures Research Center. (in Persian)
- Enayatullah, Sohail, (2011), Arab Spring: What after that? <http://www.ru.org/index.php/political-science/178-the-arab-spring-what-is-next>(in Persian)
- Faust, Louis, (2017), **The Middle East after the Arab Uprisings**, translated by Nasser Pourabrahim, Tehran, Abra Contemporary Studies and Research Institute, Tehran.
- Haghiagat, Seyyed Sadegh, (2012), **Political Science Methodology**, third edition, Qom, Mofid University Publications. (in Persian)
- Hosseinzadeh, Mohammad Ali, (2009), **Political Islam in Iran**, Qom, Mofid University. (in Persian)
- Hosseinzadeh, Mohammad Ali, (2013), Discourse Theory and Political Analysis, *Political Science Quarterly*, (No. 28), (4), 7, 181-212. (in Persian)
- <https://www.aljazeera.net/opinions/2023/3/6> The roots of political Islam and its future <https://arabi21.com/story/1361531> The future of political Islam in the Arab region: between the individual trend and the greater trend <https://arabicpost.net/opinions/2022/04/22/> It ended forever or is it able to return.. Is there a future for political Islam? <https://www.ecssr.ae/publication/> The future of political Islam in the Arab world(in Persian)
- Huntington, Samuel, (1386), **The relationship between Islamic-Confucian civilizations, the theory of clash of civilizations: Huntington and his critics**, translated by Mojtaba Amiri, Tehran, Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)
- Kaufman Waits, Tamara, (2014 December 6), "Will civil wars in the Middle East end?" Strategic Council of Foreign Relations website <http://www.scfr.ir/fa/> (in Persian)
- Kaufman Weitz, Tamara, (2016), "Understanding Why and How the Middle East Collapsed", Strategic Council on Foreign Relations website, Brookings Edition for the New Regional Order, <http://www.scfr.ir/fa/>(in Persian)
- Lampert, Robert J., (2006), sustainable planning for a century, translated by Vahid Vahidi Mutal, Andishkede Sanat and Tehnaviri Publications. (in Persian)
- Monthly Journal of Future Studies (October 2013), No. 13.<http://www.iran-futures.org>(in Persian)
- Pedram, Abdul Rahim; Ahmadian, Mehdi, (2014), **Students and Experiences of Future Studies**, Tehran, Oghf Institute of Future Studies. (in Persian)
- Rumi, Paul, (Autumn- 2003), The Enigma of Social Security, *Strategic Studies Quarterly*, Year 6, (Number 3), Serial Number 21, 685-710. (in Persian)
- Schwartz, Peter, (2008), **The Art of Foresight, planning for the Future in a World of Uncertainty**, translated by Aziz Alizadeh, Tehran, Future Research Center for Defense Sciences and Technologies. (in Persian)

- Shain, Edgar, (2007), **Organizational Culture Management and Leadership**, translated by Barzo Farhi and Shamsuddin Nouri Najafi, Tehran, Simai Javan Cultural Institute Publications. (in Persian)
- Skidmore, William, (1993), **Theoretical Thinking in Sociology**, translated by Mohammad Muqaddes and others, Tehran, Safir.
- The Future of Political Islam's Discourse in the Middle East (2011-2030), [https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article\\_3427.html?lang=en](https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article_3427.html?lang=en). (in Persian)